

امروز يك عباسی از قیمت گوشت کاسته و کمتر شد . تا دبروز گوشت چهارگی بیست و دو شاهی بود ، امروز چهارگی نه صد دینار می فروشد و قصاب ها چراغ روشن کردند .

امروز در بازار جار کشیدند که شبها درب خانهها چراغ روشن کنند . امروز طرف عصر در خیابان اکثر می گفتند روزنامه ندای وطن توقیف شده است . يك دو نفر گفتند مجدداً اسلام از نوشتن روزنامه مطلقاً ممنوع شده است ، لکن بنده نگارنده رفتم در اداره ندای وطن ، نمره سویم ندای وطن طبع شده و روی میز بود . چون دیدم حرفی در بین نیست لذا غلیان کشیده مراجعت نمودم . باز در بین راه هر کس را می دیدم می گفت روزنامه ندای وطن توقیف شده است . آنچه به تحقیق پیوست ذیلاً می نویسم .

امروز تلگرافی از مشهد از طرف آقای طباطبائی رسید که ذیلاً نکارش می یابد :

تلگراف از شهید مقدس به طهران نمره ۶۳ ، توسط حجة الاسلام آقای حاج

شیخ مرتضی دامت برکاته ، خدمت ذی شرافت آقایان حجج الاسلام آقای صدرالعلماء و آقای امام زاده و آقای آقا سید ریحان الله و آقای حاج سید علی آقا و سایر آقایان اعلام و تجار و اعضاء و هیئت محترم دامت برکاتهم درین موقع با سعادت که یکی از مبارکترین [اعیاد] اسلامیان است با نهایت خلوص و کمال شوق تبریک دارم و خدا را شاکرم که جانفشانیها و زحمات فوق الطاقه آقایان عظام بزرگ ترین نتیجه را که به تصور آید منتج گردید . همواره سعادت و نصرت آقایان معظم را سایل و امیدوارم خیلی زود به شرف تهنیت حضوری نایل شوم . (محمد ابن صادق الحسینی الطباطبائی ، ششم رجب)

روز یکشنبه هفتم شهر رجب ۱۳۴۲ - امروز تا کنون که ظهر است روزنامه ندای وطن را موزع نیاورده است ، با اینکه هر روز دو ساعت از روز گذشته روزنامه را می آورد پس معلوم می شود که در باب توقیف ندای وطن خبری هست . انشاء الله سبب آن را پس از تحقیق می نویسم .

امروز اعلانی منتشر و به دیوارها چسبانیده شد که صورت آن از این قرار است :

اعلان از طرف حکومت جلیله دارالخلافه طهران

چون در زیر سایه مبارک بندگان اعلیحضرت اقدس شهریار روحنا فداء ، عموم ملت از هر جهت باید راحت و قرین آسایش باشند لهذا محض آسودگی عابرین سبیل که شبها در رفت و آمد محلات از بابت تاریکی دچار زحمت نشوند ، این است که به عموم اهالی دارالخلافه با کمال احترام زحمت می دهد که از این تاریخ هر کس باید درب خانه خود را چراغ نصب نمایند که مترددین در معابر و محلات راحت و آسود، باشند . و هر يك از اهالی هم که قدرت و

توانایی این کار را نداشته باشد چهار خانه با هم شرکت کرده ، چراغ نصب نمایند . از امروز که پنجم شهر رجب المرجب و تاریخ این اعلان است تا پنج روز دیگر مهلت انجام و اقدام به این امر خیر است ، هر گاه بعد از انقضای وعده از طرف اهالی مسامحه دارند کدخدایان هر محل مسؤول خواهند بود .
و علی سرباز ،

امروز مجاهدین شهری را جواب دادند که دیگر با اسلحه نگرندند .
امروز اعلانی نشر گردیده به دیوارها چسبانیده شد و صورت آن از این قرار است :

اعلان انتخابات

از طرف انجمن نظارت مرکزی دارالخلافه - چون به موجب قانون انتخابات مقرر است که در شهر دارالخلافه ابتداءً چهل و پنج نفر انتخاب شوند و بعد آن چهل و پنج نفر از مابین خودشان پانزده نفر نمایند برای مجلس شورای ملی منتخب نمایند ، علیهذا به عموم اهالی اعلان می شود که از روز سه شنبه نهم رجب المرجب الی غروب دوشنبه پانزدهم ، انجمن های نظارت محلات در نقاطی که ذیلاً معین شده ، هر روز از سر دسته الی پنج از دسته گذشته و از چهار به غروب الی غروب به جهت دادن ورقه تعرفه حاضر خواهند بود . هر يك از اهالی که دارای شرایط انتخاب کردن می باشند به انجمن نظارت محله خود رفته ، ورقه تعرفه بگیرد و اگر کسی در ظرف این مدت حاضر نشده و تعرفه نگیرد به موجب قانون حق انتخاب نخواهد داشت .

عموم دارندگان تعرفه دارالخلافه از هر محله که باشند در سه روز جمعه ۱۹ و شنبه ۲۱ از سر دسته الی پنج از دسته و از پنج به غروب الی غروب باید در محل انجمن نظارت مرکزی که مدرسه دارالفنون است حاضر شده ، رأی خودشان را برای تعیین منتخبین بدهند . و پس از انقضای سه روز مذکور به حکم قانون ، دیگر ورقه رأی از کسی قبول نخواهد شد . صورت محلات و محل انجمن های نظارت و عده منتخبینی که هر محله باید معین نماید از قرار تفصیل ذیل است :

محل انجمن نظارت به جهت دادن ورقه تعرفه :

محلّه سنکلیج و شهر نو :	مسجد مرحوم حاجی شیخ هادی	۱۲	نفر
محلّه دولت :	مدرسه دارالفنون در خیابان ناصریه	۱۰	نفر
محلّه چالمیدان :	مسجد امین الدوله	۸	نفر
محلّه بازار :	مسجد ملک	۸	نفر
محلّه عودلاجان :	مسجد آقا بهرام در پامنار	۷	نفر

(بعضی از مواد نظامنامه انتخابات که دانشن آنها برای عموم لازم است)

ماده چهارم - انتخاب کنندگان اشخاصی خواهند بود که دارای شرایط

ذیل باشند :

۱- تبعه ایران باشند ۲- لااقل بیست سال داشته باشند ۳- معروفیت محلی داشته ، اگر بومی یا متوطن آن محل نباشند لااقل ششماه قبل از انتخاب درمحل انتخاب یا توابع آن سکنی داشته باشند ۴- لااقل دارای دویست و پنجاه تومان علاقه ملکى یا ده تومان مالیات بده باشند یا پنجاه تومان عایدی سالیانه داشته و یا تحصیل کرده باشند .

ماده پنجم - اشخاصی که از حق انتخاب نمودن مطلقاً محرومند :

۱- نسوان ۲- اشخاص خارج از رشد و آنهائی که در تحت قیمومت شرعى هستند ۳- تبعه خارجه ۴- اشخاصی که خروجشان از دین حنیف اسلام در حضور یکی از حکام شرع جامع شرایط به ثبوت رسیده باشد ۵- اشخاصی که کمتر از بیست سال داشته باشند ۶- ورشکستگان به تقصیر ۷- مرتکبین قتل و سرقت و مقصرینی که مستوجب مجازات قانونی اسلامی شده اند و معروفین به قتل و سرقت و غیره که شرعاً برائت خود را حاصل نکرده باشند ۸- اهل نظام بری و بحری که مشغول خدمتند .

ماده ششم - اشخاصی که به شرط اذانتخاب نمودن محرومند: ۱- حکام و معاونین حکام در قلمرو مأموریت خود ۲- مستخدمین نظمی و ضبطیه درمحل خدمت .

ماده هفتم - انتخاب شوندگان باید دارای صفات و مقامات ذیل باشند:

۱- متدین به دین حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و اله و سلم باشند ۲- تبعه ایران باشند ۳- لااقل خط و سواد فارسی به اندازه کافی داشته باشند ۴- معروفیت محلی داشته باشند ۵- در امور مملکتی با بصیرت باشند ۶- معروف به امانت و درستکاری باشند ۷- سن آنها کمتر از سی و زیاده از هفتاد سال نباشد .

ماده هشتم - اشخاصی که از انتخاب شدن محرومند :

۱- شاهزادگان بلافصل یعنی ابناء و اخوان و اعمام پادشاه ۲- نسوان ۳- تبعه خارجه ۴- اهل نظام بری و بحری که مشغول خدمتند ۵- اشخاصی که مشغول خدمات دولتی هستند، مگر اینکه برای مدت نمایندگی از شغل خود استعفا دهند ۶- ورشکستگان به تقصیر ۷- مرتکبین قتل و سرقت و مقصرینی که مستوجب مجازات قانونی اسلامی شده اند و معروفین به قتل و سرقت و غیره که شرعاً برائت خود را حاصل نکرده باشند ۸- کسانی که سنشان از سی کمتر و از هفتاد بیشتر باشد ۹-

اشخاصی که خروجشان از دین حنیف اسلام در حضور یکی از حکام شرع جامع شرایط به ثبوت رسیده باشد و یا متظاهر به فسق باشد .

ماده پنجاه و پنجم - هر گاه یکی از منتخبین یا نمایندگان به وسیله تطمیع یا تهدید انتخاب شود ، پس از ثبوت به انجمن نظارت یا مجلس شورای ملی انتخاب آن منتخب یا نماینده ، علاوه بر مجازاتی که قانون درباره او معین خواهد کرد ، از درجه اعتبار ساقط خواهد بود .

امضای اعضای انجمن نظارت مرکزی : آقای حاجی سید محمد امام زاده ، میرزا صالح خان حاکم طهران ، مخبر الملک ، شاهزاده اسدالله میرزا ، ذکاء الملک ، وکیل الرعایا ، حاج محمد باقر آقا کاشانی ، ناظم العلوم .

روز دوشنبه ۸ رجب - امروز مفاخر الملک که در بین راه گرفتار شده بود ، او را وارد کردند . باعث گرفتاری او این است که مفاخر الملک از سفارت روس بالباس چهارواداری بایک نفر سوار کشیک خانه و یک نوکر شخصی فرار کرده به طرف مازندران می رفتند . جناب سردار مکرم اعظام الدوله لاریجانی با سوار و اتباع خودش به طرف طهران می آمده اند . آنها را دیده بعضی تحقیقات کرده اند . از جواب های مشوشه آنها فهمیده اند که این لباس عاریت است ، مراتب را به جناب امیر عرض نموده اند . آنها را به حضور برده اند ، به مجرد ملاقات مشارالیه را شناخته که مفاخر الملک است . فوراً او را گرفتار نموده به شهر آوردند و لدى الوورد سردار مزبور رفت در ارك خدمت سپهدار اعظم و گفت سوغاتی از برای شما آوردم که بهتر از آن را نداشتم . فوراً مفاخر را وارد می نمایند . سپهدار اعظم هم او را حکم نگهداری می دهند که در عدلیه او را استنطاق نمایند . از قرار مذکور مأمور استرآباد بوده که در آنجا ترکمن ها را وادارد به اغتشاش .

تلگراف شیراز

توسط آقا سید یعقوب شیرازی ، حضور مبارک حضرت اشرف آقای سپهدار اعظم وزیر جنگ دامت شوکتہ - پس از تبریکات برفقوحات اسلامیه و تقدیم ادعیه خالصانه که ضمن توکیل آن وجود مقدس عرض شده ، مجدداً بر این اقدام که حقیقه موجب احیاء اسلام است و این حسن انتخابات که نزول به روح الامین واقوی دلیل بر سعادت ایران بلکه اسلامیان است ، تبریکات خود را تقدیم می داریم . به تیغ عالم آرایت بساط معدلت بر پا (احمد علم الهدی) (ابراهیم موسوی) (جواد) (محقق العلماء) (هاشم طباطبائی) .

روز سه شنبه ۹ رجب ۱۳۲۷ - امروز صنیع حضرت را بردند به نظمی و در آنجا حبس کردند . مفاخر الملک را هم مشغول استنطاق او می باشند . امروز روزنامه مجلس شماره سوم سال سوم ، راپورتی از قزوین درج کرده است که هم

مردم را به خیال انداخته وهم مستبدین را که در گوشه و کنار خزیده‌اند به حرکت آورده و صورت آن را پورت از این قرار است :

راپورت از قزوین

حالا دو ساعت یکساعت از دسته می‌گذرد . سالدات روس وارد شهر شده ، قزاقهایی که سابقاً وارد شده بودند از آنها استقبال نموده ، عموماً با موزیک درخیابانهای شهر گردش نموده و از دروازه طهران بیرون رفته ، به اردوی خودشان رفته‌اند . و درجلو تمام آنها یک بیدق قرمز بزرگ ساده و یک بیدق قرمز کوچک هم در میان نظام آنها بود . و شش عراده توپ بلند ته‌پر که منجاوز از یک ذرع و نیم طول لوله آنها است و به هر یک هفت اسب بسته بودند با تمام قورخانه و لوازم آن در عقب آنها بود. و منجاوز از پنجاه دستگاہ چهارچرخه و هشت گاری به عنوان آذوقه و چادر از عقب تمام آنها عبور نموده که روی آنها پوشیده بود و بیست بار قاطرهم کاسه‌های مس که ظرف خوراک سالدات بود چند دقیقه بعد از آنها عبور دادند. عده سالدات‌هایی که امروز وارد شده‌اند منجاوز از هزار و دویست نفر می‌شدند . (اسغر)

امروز از طرف اداره نظمیہ اعلانی نشر گردید که صورت آن از این قرار است :

سواد اعلان اداره نظمیہ

به عموم اهالی دارالخلافه اعلام و اخطار می‌شود : برای سهولت امور از روز دهم رجب مطابق صورت ذیل ، در محلات در نقاط معینہ افتتاح کمیسرها خواهد شد . هر کس تظلمی و مطلبی راجع به اداره نظمیہ داشته باشد، واقعاتی که درهریک از محلات برای اوائتاق می‌افتد به کمیسر همان محل رجوع نمایند. اگر امری باشد که بتوان در آن کمیسرها انجام و تسویه نمایند انجام خواهند کرد والا از خود کمیسرها به مرکز کل راپرت خواهند داد و از مرکز اقدامات مجدانه در تسویۀ آن امر خواهد شد . کمیسر محله چالمیدان - گذر یحیی‌خان، خانه وقایع‌نکار - کمیسر محله عودلاجان، سر سه راه پامنار - کمیسر محله بازار - عباس‌آباد - کمیسر داروغه - کوچه چهارسوق کوچک - کمیسر شهر نو ... کمیسر سنگلیج ، خیابان فرمانفرما .

واقعه زنجان

بعد از فتح قزوین آقای عظیم زاده تبریزی و آقامیرزا علی‌اکبرخان زنجانی با ده نفر از مجاهدین ، مأمور زنجان و اصلاح امور آن سامان شدند . پس از ورود به زنجان آنچه لازمه خدمت‌گذاری و جان‌نثاری در راه ملت و وطن عزیز بود با کمال لیاقت و بی‌غرضی به عمل آوردند و جداً از شرارت پاره‌ای اراذل و اوپاش و سارقین و مفتنین و خائنین

شهر زنجان که از اجزاء و گماشتگان ملا قربانعلی و توپچی‌ها و بالابانچی‌ها و سربازان دولتی بودند مخالفت و جلوگیری نمودند. از روزی که آقای عظیم‌زاده وارد زنجان شدند بعضی کارها موقوف و ممنوع گشت: منجمله استعمال تریاک و شرب مسکرات و زنا و بعضی حرکات دیگر که از جاده شرع و قانون خارج است. و چون از حکومت حرکات مخالفانه صادر می‌شد حکم به تبعیدش نمودند و سردار مسعود بهرام میرزا فراداً روانه و وارد طهران شد. و پاره‌ای از مستبدین که به سبب فرار حاکم از حرکات مخالفت کارانه مأیوس شدند به جهان‌شاه خان پناهنده شده، از قبیل نرالله خان حاکم خرم دره و آقا شعبان توپچی و حاجی میرزا محمودخان مشیرحضور. در این ضمن مجاهدین غیور از قزوین عازم فتح کرج شدند. آقای عظیم‌زاده هم یکمدهد توپ شربنل با چهل هزار فشنگ از ذخیره زنجان حمل به قزوین نمودند و چون انجمنی از مستبدین به ریاست ملا قربانعلی برضد اساس مشروطیت مرکب از اشخاص ذیل تشکیل شده بود: ملا قربانعلی، اسعدالدوله، منیع الدوله، امجد لشکر، ناصر همایون، مشهدی باقر آقا تاجر عمومی تبریزی، حاجی محمدعلی زنجان، حاجی عبدالله زنجان، آقا علی مجتهد و مشغول کارشکنی و اقدامات سری بودند تا آنکه سپهدار اعظم وارد کرج و موفق به فتح و شکست قشون دولتی شدند. خائنین به آن انجمن را پرت می‌دهند که مجاهدین در کرج شکست خورده‌اند. جناب آخوند هم محض آنکه به عالم استبداد خدمتی نماید وقت را غنیمت شمرده، مشهدی باقر تاجر تبریزی را که چون بوجار زنجان و در تبریز مشهور به باقر شیطان بود مأمور کردند که آقای عظیم‌زاده را برای موعظه به مسجد بیاورند. آقای آخوند هم تهیه خود را قبل از وقت دیده بود. از رعایای جهان‌شاه خان قریب هزار و دویست نفر به سرکردگی منصور لشکر و قاسم خان و محمدخان عثمانلو که سرکردگان سوارهای جهان‌شاه خان بودند با عده‌ای سوار و رحیم خان یاور و شکور سلطان با سوارهای تل‌قله و دویران و سوارهای اسعدالدوله قریب سیصد نفر از قنلق و رعایای منیع الدوله و امجد لشکر از دیزه و تازه‌کن و غیره، قریب چهار هزار نفر بودند. و تمام توپچیان و بالابانچیان و سربازان به حمایت آخوند ملا قربانعلی برخاسته، آقای عظیم‌زاده غافل از خدعه و دسیسه آن فاسقین برای موعظه به مسجد تشریف آوردند. بعد آخوند ملا قربانعلی، سید واصی و سید قدیر خدمت آقای عظیم‌زاده می‌فرستند که اینجا جای موعظه نیست. آقای عظیم‌زاده می‌فرمایند که این‌خانه خانه خدا است خانه ملا قربانعلی نیست، این محل ذکر خدا و نصیحت ناس و تبلیغ احکام الله است. در این بین یک مرتبه از دوربام‌ها صدای گلوله تفنگ بلند می‌شود و برای آقای عظیم‌زاده و آقامیرزا علی اکبر خان تبر می‌اندازند آقای عظیم‌زاده و آقامیرزا علی اکبر خان با بیست نفر از مجاهدین به سمت دیوانخانه حرکت می‌کنند. و قتیکه داخل میدان حکومتی می‌شوند آقای عظیم‌زاده به ضرب گلوله نابکارانه یک نفر از مستبدین شربت شهادت می‌چشد. بعد آقامیرزا علی اکبر خان جسدمطهر عظیم‌زاده را به دوش گرفته به دیوانخانه می‌رود و دیوانخانه

حکومتی و تلگرافخانه را سنگر قرار می‌دهند. تا دو ساعت به غروب جنگ دائر بود. بیست نفر از مجاهدین شهید، آقامیرزا علی اکبرخان یکه و تنها مانند شیرزیان فداکارانه آن شب را تا فردا یک ساعت به غروب مانده جنگ می‌نماید و از قرار تحقیق دوست و هفتاد و پنج نفر از طرفداران استبداد و حامیان ملا قربانعلی به گرسیرات عدم می‌روند. از آن طرف جوانمردی و شجاعت آقامیرزا علی اکبرخان قوای خصم را به ستوه آورده و ناچار به اعمال خدعه آن جوان غیور را از کار بازداشتند. شخصی گفت آقامیرزا علی اکبرخان شما در اینجا مشغول جنگ هستید خانه و عیالت را به تاراج بردند. آن مظلوم از بام تلگرافخانه به زیر می‌آید درحالتی که دو عدد فشنگ بیش ندارد و به سمت منزل می‌رود. در وسط کوچه آن مجسمه غیرت و فتوت را تیرباران نمودند. بعد گماشتگان ملا قربانعلی (آقا علی، آقا صمد، سید احمد، سید واسی، سید قدیر، حسین توپچی، یوزباشی بخش، نایب محمد کوچک) جسد های مقدسه چهارتن شهدای راه آزادی (آقای عظیم زاده، آقای میرزا علی اکبرخان، آقا شیخ عبدالله، پسر حاجی عبدالرسول، مرحوم میرزا عباسقلیخان طهرانی خازن غله زنجان) را قطعه قطعه نمودند و سر از بدنشان جدا می‌کنند و در میدان حکومتی می‌اندازند. در این زد و خورد قریب سیصدخانه از مشروطه خواهان را غارت کردند.

روز چهارشنبه دهم رجب ۱۳۲۷ - انجمن نظارت مرکزی در مدرسه دارالفنون و انجمن های نظارت محلات طهران دائر گشته، آنچه از انجمن نظارت مرکزی منتشر گردیده از این قرار است:

تکالیف انجمن های نظارت و کدخدای محلات

- ۱- اعضاء انجمن های محلات مکلفند از روز سه شنبه نهم شهر حال تا غروب دوشنبه ۱۵، هر روز از سر دسته الی پنج از دسته گذشته و از چهار ساعت به غروب الی غروب در مجلسی که برای آنها معین شده برای دادن ورقه تعرفه حاضر باشند.
- ۲- پس از حضور اعضاء، انجمن نظارت به اکثریت آراء يك نفر رئیس و دو نفر منشی از میان خود انتخاب می‌نمایند.
- ۳- انجمن نظارت وقتی رسماً منعقد است و شروع به کار می‌نماید که لااقل دوثلث از اعضاء حاضر باشند کدخدا حکماً باید حاضر باشند.
- ۴- نظم انجمن و تحقیقات لازم از طالبین ورقه تعرفه به عهده رئیس و کدخدای محل است.
- ۵- نوشتن و نمره گذاشتن تعرفه و ثبت آن در کتابچه در عهده دو نفر منشی خواهد بود.
- ۶- منشی انجمن باید صورت مجلس هر جلسه را نوشته، در موقع

افتتاح جلسه بعد برای اعضاء قرائت نماید و به مهر یا امضاء ایشان برساند و يك روز بعد از ختم جلسات انجمن آنها را با دفتر ثبت تعرفه تسلیم به انجمن نظارت مرکزی نماید .

۷- در صورت مجلس باید فقرات ذیل نوشته شود : اولاً- روز و ساعت افتتاح و اختتام هر جلسه . ثانیاً - اسامی حاضرین و غائبین هر جلسه . ثالثاً - شرح مختصری از مذاکرات یا اقدامات انجمن که راجع به امر تعرفه دادن باشد .

۸- انجمن نظارت دقت لازمه را خواهند نمود که تعرفه به اشخاصی که دارای شرایط انتخاب کردن می باشند داده شود و در این باب مخصوصاً کدخدای هر محله مسؤول صحت معرفی خواهد بود .

۹- برای اطمینان در صحت معرفی طالبین تعرفه ، کدخدای هر محله می تواند در ایام و ساعات تعرفه نایب های محله خود را با بعضی ریش سفیدان یا طوق های آن محله حاضر نماید که گیرندگان تعرفه را به صحت بشناسند .

۱۰- کدخداهای محلات مکلفند که اعلان انجمن نظارت مرکزی را به ترتیب ذیل کاملاً منتشر نمایند : اولاً- به دیوارهای معابر و گذرها و کوچه های بزرگ و کوچک بچسباندند . ثانیاً - به توسط مأمورین محلی به عابرین سیبل و خانه ها بدهند . ثالثاً - به توسط جارچی روز دوشنبه هشتم افتتاح انجمن نظارت و شروع دادن تعرفه را اعلان نمایند و روز شنبه ۱۳ و يكشنبه ۱۴ مجدداً جار زده ، تأکید درآمدن و تعرفه گرفتن قبل از فوت وقت می نماید .

۱۱- ترتیب مهرهای اعضاء انجمن باید در تمام تعرفه های يك محله تغییر نکند و اگر از اعضاء غایب باشند جای مهر او سفید بماند .

۱۲- از ورقه های تعرفه که به انجمن هر محله به موجب قبض داده می شود آنچه به مصرف نرسد باید بعد از ختم عمل تسلیم انجمن مرکزی شود . اعضاء انجمن نظارت مرکزی دارالخلافه :

آقای حاج سید محمد امام زاده ، میرزا صالح خان حاکم طهران ، مخیرالملک ، شاهزاده اسدالله میرزا ، ذکاءالملک ، وکیل الرعایا ، حاج محمد باقر کاشانی ، ناظم العلوم .

صورت اعضاء انجمن های نظارت محلات شهر :

محله سنگلج : هژیرالسلطنه ، معتمد نظمیه ، میرزا محمدخان دکتر ، میرزا محمود اصفهانی ، لسان الحکماء ، جناب آقا علی نجم آبادی ، حاج سید احمد جواهری ، میرزا احمدخان ، مجیرالدوله .





درین دو سال و هفت ماه که این مرد سلطنت کرد به اندازه ای خلف قسم و نقض دستخط های خود . . . و خلاف بادولت و دشمن کرد که یقین داشت احدی با او به درستی راه نخواهد آمد. (ص ۵۰۱)



همه تصویب کردند که حرکت شما به طهران خیلی بموقع است ، حالا اختیار با خودتان است
هر وقت و از هر راه بخواهید حرکت کنید . (ص ۵۱۰)

جعفر قلیخان سردار بهادر (سردار اسعد)



اردوی چهارم بختیاری به ریاست جناب اجل اکرم سردار محترم و جعفر قلیخان سردار بهادر
پسر وزیر داخله سردار اسعد که فردا وارد می‌شوند . (ص ۵۱۶)

محلۀ دولت : منتظم الدوله ، سلطان محمود میرزا ، نصیر حضور ، حسنعلیخان ، حاجی آقاخان ، نظام الممالک .

محلۀ چالمیدان : حاجی محمد علی خان کلانتر ، حاجی محمد تقی شاهرودی ، حاج عباسعلی ، جناب آقاشیخ حسین ، سلیمان میرزا ، میرزا سید احمد خان .

محلۀ بسازار : محاسب الملك ، حاجی محمد علی شال فروش ، جناب حاج شیخ عبدالحسین ، اعلم الممالک ، میرزا ابراهیم خان ، حاج محمد جواد تاجر .
محلۀ عودلاجان : میرزا تقی خان ، جناب آقاشیخ محمد تقی پیش نماز ، حاج محمد علی جلال الاطباء ، میرزا محمود خان نایب الوزاره ، میرزا داود خان .
سپس تعرفۀ انتخابات را منتشر نموده اخبار و اطلاع دادند که اشخاص لایق انتخاب کردن حاضر شده تعرفه بگیرند . صورت تعرفه نیز برای اطلاع عامه مخصوصاً ولایات بوده ، بر حسب اشاره انجمن نظارت مرکزی در روزنامۀ مجلس درج می شود . در اصل تعرفه اسم و رسم و ممیزات انتخاب کننده را معین نموده ، نظار ذیل تعرفه را مهور می نمایند و در پشت تعرفه مزبوره برخی مطالب لازم که اطلاع بدانها برای انتخاب کنندگان خیلی واجب و لازم است نوشته اند که در عنوان ثبت تعرفه نوشته می شود .

روز پنجشنبه ۱۱ رجب ۱۳۲۷ - در میدان توپخانه طرف غربی که امروز محل تنظیمه است استنطاق و اقرارهای صنیع حضرت را و فتنه و فسادها و قتل نفوسی که کرده علی رؤس الاشهاد قرائت شد و حکم مجازات او به اینکه به دار آویخته شود صادر گشت . مقارن غروب آفتاب او را از محبس تنظیمه وارد محضر عام کرده و باز صورت گناههای او را بر او عرضه داشتند و آقا سیدرضا پسر آقا سید کاظم صراف بر بالای بلندی ایستاد و ورقه به دست گرفته چنین گفت :

«بسم الله الرحمن الرحيم قال الله تبارك و تعالی فی كتابه الکریم - و انما جزاء الذین یحاربون الله و رسوله و یسعون فی الارض فساداً ان یقتلوا او یصلبوا او تقطع ایدیهم و ارجلهم من خلاف ، او ینقوا من الارض ، الی آخره ، بر حسب اقرار صنیع حضرت مفسد و عساکر « یسعون فی الارض » بود ، مجازات او دار است .

آنگاه صنیع حضرت را به پای دار آوردند و به روی تخت سیاستگاه واداشته ، ریسمان به گردنش انداخته ، تخته از زیر پایش کشیدند .

مفاخر الملك را که چندی وزیر تجارت و چندی نایب الحکومه طهران بود در خارج شهر در باغ شاه که یکسال متجاوز مذبح بیگناهان و وطن خواهان بود به جزای اعمالش رسانیده ، او را از زحمت شرارت طبع و خلق را از شرارت آنها آسوده ساختند .

و نیز امروز حاج شیخ فضل الله و ملا محمد آملی و حاج علی اکبر بروجردی را گرفتار نمودند. اما حاج شیخ را از خانه اش در آورده ، در درشکه نشانیده دو سه نفر از مجاهدین اطراف او را گرفته و بردند . حاج علی اکبر را در حالتی که از حمام بیرون آمده ، او را گرفتار نمودند. ملا محمد آملی را در زیر زمین خانه اش مخفی شده بود گرفتار نمود . در حالتی که صنیع حضرت را به دار کشیدند شیخ را از میدان توپخانه مرور دادند و این میدان توپخانه همان محلی است که در ذی القعدة ۱۳۲۵ شیخ و اتباعش با کمال احتشام و جلال ظاهری مسکن کرده ، گاه بر منبر بالا رفته ، گاه بر توب سوار می شد و میرزا عنایت بی چاره [را] حکم کرده پاره پاره کردند . فرقی که امسال با پارسال دارد این است که آنوقت صنیع حضرت به حکم شیخ فضل الله بی تقصیران را می کشت ، امسال صنیع حضرت را با استنطاق مجازات [دار] زدند .

خلاصه استنطاق صنیع حضرت و مفاخر الملك

عبدالله خادم مدرسه مروی در بیان مفصل خود در ضمن سؤالاتی که از او شد می گوید: سید کمال و صنیع حضرت در مسئله حضرت عبدالعظیم و قتل مرحوم میرزا مصطفی و سایرین مدیر و رئیس بودند و در آن شب صنیع حضرت و سید کمال و جمعی از ترکهای مفاخری داخل خانه شدند و شلیک کردند . بعد از اینکه کار خود را کردند از منزل بیرون آمدیم با صنیع حضرت و سایرین همگی به طرف شهر آمدیم . مفاخر الملك گفت يك شبی شیخ فضل الله مرا در منزل خود حاضر کرد حاجی آقا علی اکبر سیف الشریعه ترك حاضر بودند. بعد از آنکه خدمت آقا رسیدیم به من گفت من کفایت شما را بالاتر از این می دانستم چرا در کار حضرت عبدالعظیم کوتاهی می کنید ؟ خوب است زود در این خصوص ترتیبی بدهید. گفتم باید شاه به من دستور بدهند. گفت من از شاه دستخط و دستور برای شما می گیرم. سیف الشریعه را فرستاد که دستور و دستخط بگیرد . من خودم رفتم شاه را ملاقات کردم ترتیب را به شاه گفتم شاه گفت شما دخالت نکنید آن ترکهای تبریزی و غیره را که به شما سپرده ام به مجلل بدهید . فردا صبح مجلل آدم فرستاد آن دسته ترکها را از منزل من برد . بعد از دو سه شب وقعه حضرت عبدالعظیم واقع شد. کاظم دوچی را که رئیس ترکها بود خواستم شرح را از او پرسیدم . گفت مجلل ما را به صنیع حضرت سپرد . صنیع حضرت ما را برد به حضرت عبدالعظیم که آقا سید علی آقای یزدی را بکشیم . رفتیم هر چه گشتیم آقا سید علی آقا را پیدا نکردیم . مراجعت نمودیم که به شهر بیائیم صنیع حضرت گفت دست خالی نرویم . ما را برد در یک منزلی ، دو نفر را فرستاد از دیوار رفتند روی بام ، در خانه را باز کردند ، ما را برد میان منزل دم پله شلیک کردیم ، میان اطاق رفتیم چند نفری را کشتیم ، مراجعت کرده به شهر آمدیم . فردا فهمیدیم میرزا مصطفی و فلان و فلان